

گزارش مکتوب مراسم عاشورای نهضت آزادی ایران

منزل جناب آقای مهندس صباغیان

۱۳۸۵/۱۱/۱۰

مراسم عاشورای حسینی نهضت آزادی ایران نیز طبق برنامه سال های گذشته با حضور اعضا و علاقه مندان در خانه آقای مهندس صباغیان برگزار شد. در این مراسم آقایان احمد قابل و حسن یوسفی اشکوری سخنرانی کردند و پس از برگزاری نماز جماعت و پذیرایی نهار، برنامه خاتمه یافت.

تلخیص سخنرانی آقای احمد قابل به شرح زیر است:

بیم ها و امیدهای دینداری

امام حسین(ع): آدمیان بردگان دنیایند، و دین سخن کم بهایی است بر زبانهایشان. گرد او جمع میشوند و او را در بر می گیرند، تا هنگامی که زندگی روزمره‌ی مادی‌اشان را بر پا گرداند، پس هنگامی که به سبب گرفتاریها آزمایش می‌شوند، دینداران کم می‌شوند.

امام صادق(ع): کسی که دینش را از دهان افراد گرفته باشد، افراد دیگری دین او را از بین می‌برند، و کسی که دینش را از قرآن و سنت گرفته باشد، کوهها از بین می‌رود، اما دین او از بین نمی‌رود.

بیم‌ها:

دینداری در زمان ما کار دشواری است. همان که گفته‌اند «به مانند نگاه داشتن فلزی داغ بر کف دستان آدمی است»، چیزی که برای پیامبر خدا نیز تعجب آور بوده است. (من لا یحضر الفقیه - شیخ صدوق ج ۴ - ص ۳۶۶ / یا علی اعجب الناس ایمانا و اعظمهم یقینا قوم یکنون فی آخر الزمان لم یلحقو النبی، و حجب عنهم الحجه فآمنوا بسواد علی بیاض).

دشواری آن در دو بعد؛ درونی و بیرونی است. هم در عالم ذهن و هم در عالم عین. در دو عالم نفس و عالم خارج.

در عالم ذهن با مشکلاتی از قبیل؛

۱- نا آشنا بودن با بسیاری از مفاهیم مورد نظر شریعت محمدی(ص) و اختلاف نظرهای بی شمار عالمان شریعت که عملا پیدا کردن حقیقت را برای عموم مسلمانان بسیار دشوار کرده است.

۲- ناشناخته ماندن نسبت بین عقل بشری با نقل وحیانی و تفسیری شریعت و چگونگی رفتار صحیح در هنگام تعارض ما بین عقل و نقل.

۳- ممانعت های فراوانی که در مقام عمل، حتی بسیاری از نیازهای فطری بشر را نادیده میگیرد، به نام شریعت منطبق با فطرت بشری.

۴- چهره‌ی عبوس و ماتم زده‌ی اندیشه‌های رایج به نام شریعت محمدی و تبلیغ بسیار غم و اندوه و محرومیت از شادی و نشاط و امید.

۵- نگاه تعصب آلود و غیر مدارا جویانه‌ی اندیشه رایج شرعی، نسبت به غیر مسلمانان که مسالمت جو و خوش اخلاقند و همه‌ی ایشان را اهل عذاب دانستن و فقط همفکران خود را اهل نجات شمردن.

۶- وجود تبعیض آشکار بین زن و مرد، مسلمان و غیر مسلمان و ... در اندیشه‌های رایج اسلامی، ذهن نیمی از جامعه‌ی اسلامی را (زنان) از آغاز اسلام به این امر مشغول کرده است و بخش‌های اندیشمند نیم دیگر (مردان) را نیز، گاه به میدان تردید و پرسشهای توییخی و انکاری کشانده است و در این خصوص البته کمتر پاسخ قانع کننده‌ای شنیده‌اند.

در عالم خارج نیز با مشکلاتی از قبیل:

۱- نگاه سنگین عقلگرایی که نتیجه‌ی عملی اندیشه‌های آنان، نه تنها اوضاع فردی و اجتماعی بدتر از وضعیت دینداران را در دنیا برایشان فراهم نساخت که در برخی مجامع، وضعیتی با سلامت، امنیت، آبادانی، رفاه و آسایش بیشتر را برای غیر متدیانان پدید آورده است.

۲- ناکارایی اندیشه‌های اسلامی برای ایجاد جامعه‌ای نمونه و برتر، علیرغم ادعای برتری اندیشه‌ی اسلامی بر سایر اندیشه‌های الهی و بشری

۳- وجود احکام و اندیشه‌هایی که امکان تعامل مثبت با بسیاری از انسان‌های مسالمت جو، حق‌پذیر، منطقی وفادار به اخلاق انسانی غیر مسلمان را از پیرو اندیشه‌های رایج شرعی، دریغ می‌دارد.

۴- رویکردهای جهانی «تساوی طلب و حقوق بشری» که تنها عامل و ملاک «صاحب حق بودن» را «انسان بودن» می‌داند، و جبهه‌گیری آشکار مجامع علمی، سیاسی و فرهنگی جهانی در برابر رویکرد های تبعیض آمیز جوامع اسلامی و شکل‌گیری «افکار عمومی بشری» علیه اسلام و مسلمانان.

۵- نا شناخته ماندن رویکرد های مسالمت جو و رحمانی اسلام، در میان اکثر متدینان.

۶- مشکلات بی شمار اجتماعی ناشی از «شکل‌گیری احساسات شدید و عواطف غیر طبیعی» پیرامون اندیشه‌های رایج و استمرار این وضعیت و تبدیل شدن آن به «خو و خصلت» در جوامع مذهبی، تا جایی که افراد آشنا با رویکردهای رحمانی شریعت نیز از تبعات آن خو خصلت‌ها در امان نبوده و نیستند. گویا محذورات اجتماعی و هماهنگی با عادات و رسوم مذهبی به عنوان وظیفه‌ای غیر قابل تردید، همچنان روح و ذهن همگان را در تسخیر خود دارد و امکان اندیشیدن، بررسی حقیقت موضوعات، فواید و مضرات آن‌ها را از همه سلب کرده است. این وضعیت تا

بدان جا پیش می رود که برای مثال حسین بن علی از صحنه امامت به صحنه حماسی برده شده است و حتی در بحث های علمی فقهی و اخلاقی از او حرفی مطرح نیست و او را تنها در شش ماه آخر زندگی خود حبس کرده اند و حتی زندگی او به نفع احساسات تحریف میشود.

۷- نبودن همفکری و همکاری علمی و فرهنگی، در میان جامعه ی دگر اندیش مذهبی نداشتن انسجام در طراحی و اولویت های بحث و عدم رایجی برنامه ی مشخص و منسجم علمی و فرهنگی برای دوران گذار و یا دوران ثبات اندیشه های رحمانی شریعت.

۸- اندک بودن امکانات (امنیت مالی و فرهنگی) عالمان اصلاح طلب اندیشه های دینی. (کرم داران عامل را درم نیست) و طبیعتاً در چنین وضعیتی، امکان رشد بیش از این، وجود ندارد.

۹- فشار های کمر شکن طرفداران اندیشه های رایج و بهره گیری از انواع محرومیت ها ، تهدید ها و تکفیر ها.

۱۰- همراهی حاکمان در ایجاد محرومیت ها و تهدید ها برای دین داران خرد ورز که معمولاً نمی توانند با سیاست های حاکمان همراهی کنند.

۱۱- کمبود شجاعت لازم برای اظهار یافته های علمی (در حوزه ی معارف شریعت) هر گونه نو اندیشی و اصلاح طلبی دینی، از سوی این گروه از روشنفکران با مارک عدول از آموزه های شریعت مواجه شده و می شود. جالب است که ملاک اظهارات این گروه، اظهارات انحصار طلبانه ی طرفداران اندیشه های رایج اسلامی است (که این دو گروه خود را شدیداً مخالف یکدیگر می دانند). بنابراین، اصلاح طلبان اندیشه های دینی، از سوی دو گروه « روشنفکران غیر دینی» و « طرفداران اندیشه های رایج سنتی» به اتهام یگانه ای متهم شده است، که عبارت از « ارتداد و خروج از دین مذهب»!

۱۲- اظهار نظر های شبه عالمانه از سوی افرادی که اطلاع چندانی از متون اصلی شریعت ندارند و یا مبانی علمی روشنی برای دیدگاه های خویش تهیه نکرده اند، آفتی است که « نهضت اصلاح اندیشه های شریعت» را تضعیف می کند. نمونه ی این افراد را در میان برخی روحانیان، برخی دانشگاهیان (اساتید و یا دانشجویان) و برخی از فعالان سیاسی می توان دید. «شتاب زدگی» در طرح سخنانی جدید و نوین و انتساب آن به شریعت، بدون ارائه ی دلائل محکم عقلی یا نقلی، و بی توجه به روش های پذیرفته شده ی علمی، می تواند به شکل گیری نگاه منفی نسبت به گرایشات اصلاحی منجر شود.

امید ها؛

۱- خوشبختانه دست اصلاح طلبان اندیشه های رایج از دلائل عقلی و ادله ی عقلی معتبره ی نقلی موجود در متون اولیه شریعت (قرآن و روایت معتبره) نسبت به مسایل اختلافی، پر است.

۲- درگیری علمی با عالمان اصلاح طلب، برای هیچ یک از دو گروه رقیب (روشن فکران غیر دینی و سنت گرایان طرفدار اندیشه های رایج) آسان نیست، چرا که در بسیاری از مسائل مورد اختلاف دست رقا از دلایل قانع کننده، تهی است.

۳- در بسیاری از مسائل اختلافی، ادله ی متعارضی وجود دارند که گزینش هر یک از دو طرف مورد نزاع را از نظر علمی، ممکن می سازد. گزینش در باب تعارض ادله، اصلی عقلی و پذیرفته شده است. نهایتا باید مجموعه ی گزینش ها، آدمی را به تناقض و یا تضاد در اندیشه ی مورد پذیرش خویش نرساند.

۴- خوشبختانه، در موارد بسیاری از مسائل اختلافی، اندیشه های رایج را دچار تناقض در گزینش ها می بینم. عدم پایبندی به مبانی اعلام شده و پذیرفته شده ی خود، به فراوانی در اندیشه های رایج وجود دارد، که به همین خاطر شدیداً آسیب پذیر شده است.

۵- پیدایش و تکثیر مراکز پژوهشی علوم اسلام، در حوزه های علمیه، آینده ی امید بخشی را نوید می دهد دلایل این امید واری را به اطلاع می رسانم؛

الف) نگرش علمی به مسائل شریعت، نکته اصلی تفاوت دیدگاه اصلاح طلبان و سنت گرایان مدافع نظریات رایج است. تکثیر رویکرد های علمی در حوزه ها، به معنی تکثیر نهاد های آموزش و پرورش اصلاح طلبی دینی نیز هست. حوزه های علمیه هر چی علمی تر شوند و از نظریاتی که در سایه ی احساسات غیر طبیعی و تعصبات بی مورد رشد یافته اند، ور تر شود، مطمئناً به دیدگاه های اصلاح طلبانه است.

ب) افراد پرورش یافته در این مراکز تحقیقاتی، آدمیانی بسیار نزدیک تر به اندیشه های اصلاح طلبانه بوده است. پ) اقتضای طبیعت افراد شاغل در این مراکز، پرهیز از اظهار نظر های صرفاً احساساتی و متعصبانه است. میزان تحمل طرفداران اندیشه های رایج، که شاغل در این مراکز بوده و هستند، لاقلاً با افراد پرورش یافته در غیر این مراکز، متفاوت است و این امر، به نفع اندیشه های اصلاح طلبانه است.

ت) گروه مدافع نظریات رایج، کم و بیش در حال از دست دادن نیرو های خود است و لاقلاً از نظر رشد متوقف شده است، در حالی که اصلاح طلبان اندیشه های شرعی، در حال تکثیر تدریجی اند. کندی این رشد را ناشی از مسائلی می دانم که در بخش بیم ها، به آن اشاره شد.

ث) توانایی های مناسبی در برخی از روحانیان کمتر شناخته شده، برخی اساتید دانشگاه، برخی از فعالان سیاسی و برخی انسان های آشنا با مطالعات اسلامی، وجود دارد. با اندک سرمایه گذاری عالمان اصلاح طلب شریعت و تشکیل نهاد های علمی، آموزشی و پژوهشی و با تشکیل جلسات مشترک برای بحث استدلالی در مسائل نظری، و یا تدوین «سیر مطالعاتی مناسب»، امکان تامین بیشترین نیروی ممکن آشنا به مبانی نظری اندیشه های اصلاحی و آماده ی دفاع از برداشت های اصلاحی را خواهیم داشت.

۶- روند افکار عمومی جهانی و نزدیک تر شدن فرهنگ ها و آسان و ارزان تر شدن ارتباطات در دنیای امروز، و روند به گسترش آن، و گرایش عمومی جهانیان به صلح همزیستی مسالمت آمیز و گسترش فرهنگ عدالت به مفهوم تساوی (که برترین مفهوم عدالت است) و آشنایی اجمالی افکار عمومی جهانیان با اسلام رحمانی و مسالمت جو در برابر اندیشه های خشونت طلب مدعی اسلام، نشان از آینده ای امید بخش برای اصلاح طلبی دینی در سطح جهانی دارد. طبیعی است که پیروان شریعت محمدی (ص) نیز به عنوان جزئی از پیکره بشر عصر حاضر، این قانده مستثناء نیستند. هر چه آگاهی های عمومی در دانش بشری گسترش می یابد آگاهی نسبت به آموزه های حقیقی شریعت نیز افزونتر می شود. به همین دلیل امکان گسترش تفکرات اصلاحی در حوزه ی شریعت، نسبت به دوره های پیشین، بیشتر می شود.

۷- بن بست طبیعی برداشت های ضد عقلی مخالف عقلانیت از شریعت امری است که از متن شریعت نیز میتوان شکست گریز ناپذیر آن را دریافت. تمامی شرایع الی قبل از شریعت محمدی ص از آن جهت دچار مشکل شدند که به رویکرد های خلاف عقل، ملتزم شدند. شکست رویکرد های ضد عقلی، سنت الهی است و قطعاً سرنوشت رویکرد های مشابه در شریعت محمدی (ص) نیز همان خواهد بود. این بن بست طبیعی با رویکرد عقلانی به شریعت شکسته می شود و راه برای دین داری مبتنی در عقلانیت، باز می شود. بنابراین امید توجه عمومی به این رویکرد در آینده ای نه چندان دور، وجود دارد.

xxx

مسئولیت دینداران در عصر حاضر، تلاش برای از بین بردن بیمها (در دو عرصه ی فردی و اجتماعی) و تقویت امیدها است. «جهاد فی سبیل الله» در عصر حاضر تلاش خستگی ناپذیر و همگانی در این زمینه است. هر کس به میزان امکانات و توانایی های خویش باید در جهت رشد فرهنگ «اسلام رحمانی» (که مبتنی بر اندیشه های اسلامی است) و تضعیف فرهنگ «اسلام خشونت طلب» (که عمدتاً مبتنی بر اندیشه های سنتی رایج است) تلاش و کوشش کند. وظیفه ی عالمان شریعت، تلاش علمی و فرهنگ سازی است. آنان باید از جمله ی پیشروان عمل به اندیشه ها و لوازم و سخنان خویش باشند. نباید تناقض و تضادی بین عمل و نظر آنان دیده شود. اگر این مجاهدت علمی و عملی، تحقق پذیرد، می توان اندک، اندک شاهد پذیرش و رشد عمومی فرهنگ اصلاحی در جامعه اسلامی بود. هر کس با هر امکان و توانی، می تواند جایگاه خود را در این جهاد «فرهنگی و علمی» پیدا کند و سهم خود را از این مسئولیت اجتماعی، بشناسد و ادا کند.

از خداوند رحمان و رحیم می خواهیم که: «ما را نسبت به حقایق شریعت محمدی (ص) که منطبق با سرشت عقلانی بشر بوده است، عالم گرداند، و نسبت به حقایق که درک کرده ایم عامل قرار دهد.»
اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه و ما قصرنا عنه فبلغناه. آمین رب العالمین.